

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: دیلوم انجنیر نسرين معروفی
۰۸ مارچ ۲۰۱۷

"آزادی زن، معیار آزادی جامعه است"

خوانندگان عزیز!

در صورتی که ما به تاریخ پر نیشب و فراز سه دهه اخیر کشور ما بعد از شکست فزاینده بار سوسیال امپریالیسم شوروی نظر بیندازیم، دید می شود که امپریالیسم جنایتکار که در رأسش ایالات متحده امریکا قرار دارد، با وحشیانه ترین اعمالی که مبین هویت و ماهیت سرمایه است، در راه برآورده شدن امیال و منافع استعماری خود در هماهنگی با ارتجاع و اسلام سیاسی، کشور ما را به خاک و خون کشانیده اند که از دید هیچ انسان با وجدان آگاهی نباید پوشیده باشد. امروز کشور ما افغانستان در موقعیتی قرار دارد که روسیه تزاری بیش از صد سال قبل یعنی پیش از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ قرار داشت. روسیه در آنزمان (قرن ۱۹) مانند افغانستان در این زمان (قرن ۲۱) زندان و گورستان خلقها بود. با انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ کمونیستهای روس به قیادت لنین قادر شدند در مدت بسیار کوتاهی این زندان و گورستان خلقها را با طرح پلانهای وسیعی که سرنگون ساختن تزاریسیم، سرنگون ساختن حاکمیت ملاکین، سرمایه داران، درهم شکستن مداخله مسلح خارجی (جنگ جهانی اول)، دوران جنگ داخلی و ساختمان دولت شوروی و جامعه سوسیالیستی بود، موفقانه و با اتکاء به خلقها به پیروزی نهائی برسانند.

ناگفته نماند که قبل از انقلاب اکتوبر اعتصابات و قیامهای مسلحانه خلق روسیه به خاطر انقلاب به رهبری بلشویک ها بارها توسط سلطنت مستبد تزار دچار شکست شده بود، چنانچه پس از شکست قیامها، عقب نشینی انقلاب آهسته آهسته آغاز گردید. ارتقاء انقلاب به تدریج مبدل به انحطاط آن شد. حکومت تزار کوشش می کرد از این شکست استفاده نماید تا این که ضربه نهائی خود را به انقلاب وارد کند. دژخیمان و زندانبانان تزار فعالیت خونین خود را توسعه دادند و می خواستند بدینوسیله انقلاب را از پای درآورند و توده ها را از انقلاب روی گردان سازند. اما قادر نشدند جلو انقلاب مردم را بگیرند. انقلاب با تمام دشواریهای آن به پیروزی رسید. حاکمیت شوروی مستحکم شده و پیروزی سیاست لنینی و ستالینی حزب بلشویک تثبیت شد. با پیروزی انقلاب از همان نخستین سالهای مبارزه در راه پیشرفتهای سیاسی، اقتصادی و توسعه و تکامل اجتماعی گامهای فراخی برداشته شد. تاریخ تکامل کشور سوسیالیستی شوروی بعد از انقلاب نشان می دهد که "چگونگی زندگانی مردم هر طوری که باشد، چگونگی تفکر شان نیز همانطور است"

خوانندگان گرانقدر! با وجودی که گفتنی ها در مورد انقلاب اکتوبر و پیشرفتهای چشمگیر آن در ساحات مختلف جامعه و بهبود زندگانی خلق شوروی به خصوص بهبود زندگانی زنان ستمکش و اعاده حقوق انسانی و تطبیق آن درصد سال

قبل زیاد است، مگر به نشر نوشته ای که ضمیمه این مضمون است، اکتفاء نموده، می پردازم به یاد دهانی از روز هشتم مارچ و گوشه ای از تراژیدی زن افغان.

روز هشتم مارچ که به عنوان روزی بین المللی زن نامگذاری شده است، روزیست که به افتخار مبارزات زنان آزاده و مبارز و به حیث روز تاریخی همیستگی زنان سراسر جهان از آن تجلیل به عمل می آید. تجلیل از این روز در کشور های به اصطلاح متمدن و پیشرفته در حالی که با تظاهرات و برگزاریهای محافل بعضاً مجلل و غیر مجلل با جمعی از زنان و مردان با خوشی و شادی برگزار می شود، زنان به اسارت کشیده، داغیده و ستمکش افغانستان زیر چکمه های استعمار و ارتجاع پایمال و در جریان توحش استعماری و ارتجاعي به خاک و خون کشانیده می شوند. در این جا می خواهم به طور بسیار فشرده به گوشه هایی از تراژیدی زن افغان، یعنی مظلوم ترین، مصیبت دیده ترین و رنج کشیده ترین بخش از جامعه ما پردازم.

جامعه افغانستان از یک جانب تحت قوانین ضد انسانی کشور های تجاوزگر قرار دارد و از جانب دیگر فرهنگ ارتجاعي و مرد سالار در آن حکم می راند. در حقیقت تکیه گاه هر دو، قوانین دینی و مذهبی است. استعمار، دولت مستعمره کابل و طبقات استثمارگر می خواهند تا به اشکال مختلف برای حفظ و بقای خود، نه تنها حقوق و آزادی زنان بلکه حقوق و آزادی های اکثریت خلقها را زیر پای نموده، به جای آن با استقرار حاکمیت ارزشهای استعماری، افکار ارتجاعي و تطبیق قوانین سرکوبگرانه دینی و مذهبی، توده های میلیونی را در بند نگهدارند. **جامعه ای که تحت سیطره دین و مذهب است، احکام آن ابزاری است جهت سرکوب خلقها به خصوص زنان.**

زن در جامعه افغانستان از تمام حقوق انسانی محروم و فقط بر مبنای قوانین دینی و مذهبی، رسوم و عاداتی که زن را به شدت مورد ستم قرار می دهد و انسانیت او را به هیچ می انگارد، در تاریکی ناآگاهی اجتماعی و فرهنگی در بردگی مرد، خانواده و اجتماع قرار داده می شود. در حالی که حقوق و آزادی زن جزئی از حقوق و آزادی انسان است. ولی انسانیت وی را تحت سؤال قرار می دهند و وی را برده وار مجبور می سازند تا در تمام مسائل زندگانی از قوانین دینی و مذهبی جوامع مرد سالار اطاعت کند، در صورت عدم اطاعت، مورد مجازات چندین جانبه قرار می گیرد. پس در چنین جوامعی حاصل زندگانی یک زن جز رنج و ستم، ذلت و ناتوانی، حقارت و زبونی، سرکوب و تحقیر چیزی دیگری نیست. در کشور های اسلامی میلیون ها زنی است که بعد از گذشت ۱۴۰۰ سال هنوز هم در زندان ذلت و اسارت مردان محبوس هستند و در چنگال ظلم و بی عدالتی به سر می برند.

پس وظیفه انسانی و وجدانی ماست تا علیه روابط استثمارگرانه، نابرابری های اجتماعی، افکار و ارزشهای عقب مانده و ستمگرانه در روابط شخصی و خانوادگی خود گامهای عملی را برداریم. به خصوص در شرایط فعلی که آزادی کشور ما با تجاوز کشور های امپریالیستی سلب شده و با جنایاتی که آنها در همسویی با ارتجاع مرتکب می شوند، دیده می شود که از زمین و آسمان و از در و دیوار آن نعره های خلق بی سلاح و بی پناه فریاد می زند. پس بر ماست تا در قدم اول در راه آزادی کشور و بهروزی خلق افغان مبارزه علیه استعمار و ارتجاع را در سر خط راه مبارزاتی خود قرار بدهیم.

تجربه تاریخی مبارزات خلقهای شوروی و چین نشان می دهد، که پیشبرد مبارزه کار و فعالیت امروز و فردا نیست، انسان باید در این راه سنگ خارا باشد.

وضعیت زنان در جهان امروز و صد سال پیش در جامعه سوسیالیستی

• انقلاب روسیه در اکتوبر ۱۹۱۷ (صد سال پیش) تحت رهبری لنین اولین دولت سوسیالیستی تاریخ را بنا کرد. این دولت، در همان حال که درگیر نبرد مرگ و زندگی بود، انقلاب اجتماعی را پیش می‌برد. شکستن زنجیرهای انقیاد و بردگی زنان یکی از برجسته ترین آنها بود. انقلاب اکتوبر به سرعت کل نظام کلیسائی ازدواج را که مبنای آن اقتدار مرد بر زن و کودکان بود لغو کرد ...

جهان امروز فقط جنگ هائی که از زمین و هوا و بحر انسان‌ها را درو می‌کند و زندگی شان را ناامن و بی ثبات می‌کند نیست. نیمی از جمعیت بشر حتا در غیاب جنگ هم درگیر جنگ اند. خشونت که امروز زنان در هر گوشه دنیا تجربه می‌کنند بی سابقه است. اما در جوامع سوسیالیستی قرن بیستم در شوروی و چین صدها میلیون زن از خشونت جسمی و روانی به دست دولت، مرد، خانواده و طایفه و دین رها شده و ضربات عظیمی بر نابرابری اجتماعی زده بودند. شوروی سوسیالیستی انقلاب روسیه در اکتوبر ۱۹۱۷ (صد سال پیش) تحت رهبری لنین به پیروزی رسید و اولین دولت سوسیالیستی تاریخ را بنا کرد. این دولت، در همان حال که درگیر نبرد مرگ و زندگی بود، انقلاب اجتماعی را پیش می‌برد. شکستن زنجیرهای انقیاد و بردگی زنان یکی از برجسته ترین آنها بود. انقلاب اکتوبر به سرعت کل نظام کلیسائی ازدواج را که مبنای آن اقتدار مرد بر زن و کودکان بود لغو کرد. طلاق را آسان کرد. اصل دستمزد یکسان در برابر کار یکسان به اجراء در آمد. خدمات رایگان در زایشگاه‌ها برقرار شد. در روزنامه‌ها و مدارس بحث‌های پر محتوا و داغی درباره نقش‌های جنسیتی، ازدواج و خانواده به جریان افتاد. داستان‌های علمی-تخیلی که روابط اجتماعی جدیدی را تجسم می‌کردند به نگارش درآمدند. اتحاد شوروی نخستین کشوری بود که سقط جنین را قانونی کرد. این در حالی است که در کشورهای اروپائی و به ویژه در امریکا همین امروز هزار و یک محدودیت قانونی و مذهبی در مورد سقط جنین اعمال می‌شود. این تحولات صد سال پیش از این در یک کشور سوسیالیستی رخ داد. در آن زمان در بسیاری از کشورهای اروپائی زنان حق رأی نداشتند و تا چند سال پیش از آن دولت امریکا زنان مبارزی را که خواهان حق رأی بودند دستگیر و شکنجه می‌کرد. دولت سوسیالیستی شوروی اولین کشوری بود که روابط همجنس‌گرایی را آزاد اعلام کرد و همه ملل شوروی از برابری در همه زمینه‌ها برخوردار شدند. در حالی که در همان سال، در ایالات متحده امریکا حتا ازدواج یک مرد رنگین پوست با زن سفید مجازات زندان داشت. در اواسط و اواخر دهه ۱۹۲۰ در جمهوری‌های آسیای میانه که بخشی از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بودند مبارزات توده‌ئی علیه سنت‌های پدرسالارانه که قوانین شریعت اسلام بخشی از آن بود، به راه افتاد. زنان این مناطق قوانین شریعت، ازدواج‌های از پیش ترتیب داده شده و سنت مهریه را به نبرد فرا خواندند و دولت سوسیالیستی از زنان و مردان روشن بینی که درگیر این مبارزه شدند پشتیبانی کرد و در واقع خود مشوق این مبارزات شد. در مواردی درگیری‌ها بسیار حاد می‌شد و سازمان گران مبارز مورد حمله نیروهای عقب مانده اسلامگرا قرار می‌گرفتند. در سال ۱۹۲۷ سازمان‌های زنان که در این مدت قوی شده بودند، شورش مهمی علیه حجاب به راه انداختند. چون حجاب هیچ نیست جز یک ابزار ستمگرانه علیه زنان، ابزار کنترل پدرسالارانه زنان، پوشاندن و خدشه دار کردن هویت و چهره انسانی زن.

در چین سوسیالیستی گسسته شدن زنجیرهای انقیاد زنان چین و رهائی آنان سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در این کشور در سال ۱۹۴۹ آغاز شد. یعنی در جریان «جنگ توده‌ئی طولانی» که از سال ۱۹۲۸ در روستاهای چین تحت رهبری حزب کمونیست چین جریان داشت. یکی از اهداف مهم انقلاب چین از بین بردن نظام پدرسالاری بود.

حزب کمونیست چین تحت رهبری مائوتسه دون، از همان آغاز مبارزه انقلابی، در تئوری و عمل به این مسأله پرداخت و زنان را به شورش برانگیخت تا خود را از «قیود چهار اقتدار» یعنی، «اقتدار دولت، اقتدار دین، اقتدار پدر، اقتدار خانواده» رها کنند. آزادی زنان بدون مبارزه قاطع و مستمر علیه دین و اخلاق دینی ممکن نبود زیرا دین کنفوسیوسی این چهار اقتدار را مشروعیت می‌بخشید و آن را ستون جامعه می‌دانست. حزب کمونیست چین علیه دین، به‌عنوان تکیه‌گاه مهم طبقات استثمارگر و دولت حاکم مبارزه می‌کرد. این امر به ویژه در دهه ۱۹۳۰ (دهه ۱۳۱۰ شمسی، نزدیک به ۸۰ سال پیش) در مناطق آزادشده روستائی در پیشبرد جنبش انقلابی و آزادی زنان نقش مهمی بازی کرد. مبارزه برای رهایی زنان بدون مبارزه علیه دین و پدر و خانواده ثمربخش نبود. مائوتسه دون از همان ابتداء انقلاب چین را بر این اصل استوار کرد که به افکار عقب افتاده توده های مردم نباید کرنش کرد بلکه رهایی توده‌ها نیازمند ضربه زدن به افکار سنتی و ارتجاعی است. این کار، نرم و راحت نبود. روستائینی که قانون طلاق و تقسیم سرانه زمین را ضد دین می‌دانستند، خلاف منافع طبقاتی خود علیه حزب کمونیست کار می‌کردند و حتا بسیاری از کادرهای حزب را به قتل رساندند. با این وجود، حزب در مقابل افکار ارتجاعی توده‌ها به صرف آن که تحت ستم هستند عقب نشینی نکرد. در جریان انقلاب ارضی (که بخشی از برنامه انقلاب بود) زمین میان دهقانان فقیر و بی زمین و به طور برابر زن و مرد تقسیم شد. دولت انقلابی در مناطق پایگاهی، قانون جدید ازدواج را تصویب کرد که به قانون طلاق معروف شد. زیرا، در پی آن زنان روستائی که به زور ازدواج کرده یا به دلیل اقتصادی وابسته به شوهر بودند، هم زمین گرفتند و هم طلاق. در سال ۱۹۴۳ مائوتسه دون در گزارشی به کنگره ملی حکومت‌های شورائی گفت، نظام جدید ازدواج «یکی از بزرگ ترین پیروزی های تاریخ بشر است» اما تأکید کرد، آزادی ازدواج زمانی تضمین خواهد شد که زن و مرد هر دو آزادی سیاسی و اقتصادی به‌دست آورده باشند.

در سال ۱۹۵۰ یعنی به فاصله چند ماه پس از پیروزی انقلاب و استقرار دولت جمهوری خلق چین تحت رهبری حزب کمونیست چین، دو قانون همزمان تصویب شد. قانون اصلاحات ارضی و قانون ازدواج. در واقع این دو قانون در طول جنگ درازمدت خلق در مناطق آزاد شده و تحت حکومت‌های شورائی عملی می‌شد که پس از پیروزی سراسری و استقرار دولت سوسیالیستی، تبدیل به قانون کشوری شدند. در این کشورهای سوسیالیستی، زنان ابژه جنسی مردان یا ماشین زایمان محسوب نمی‌شدند. نه قوانین «عفاف» بالای سرشان بود و نه صنعت پورنوگرافی در کمین شان. آنها انسان‌هایی با توانائی کاملاً برابر در هر حوزه محسوب می‌شدند. اکنون، هیچ یک از این دو کشور سوسیالیستی موجود نیستند. هر دوی آنها توسط نیروهای قدرتمند بورژوائی از درون و بیرون درهم شکستند. اما در همان عمر کوتاه به بشریت نشان دادند که ستم و استثمار، نظم طبیعی و ابدی امور نیست. آن را می‌توان و باید سرنگون کرد. موقعیت زنان در جوامع سوسیالیستی را مقایسه کنید با وضع زنان در جامعه ما و در جهان. جمهوری اسلامی، ۳۸ سال پیش تولدش را با حمله به زنان جشن گرفت و در این ۳۸ سال با سرکوب نظامی زنان را وادار به حجاب کرد و قوانین قرون وسطائی شریعت را مانند طناب داری بر گردن زنان انداخت. هیچ زنی در خیابان های شهرهای بزرگ ایران و دیگر کشورهای اسلامی بی بهره از اذیت و آزار جنسی نیست و تخطی از اصول اسلامی ازدواج، مجازات مرگ دارد. در بسیاری از این کشورها حق سقط جنین وجود خارجی ندارد و با تنبیه های سخت مواجه می‌شود. در ایالات متحده آمریکا هر ۱۵ ثانیه یک زن مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد. یک زن از هر چهار زن دانشجوی کالج در خلال تحصیل مورد تجاوز قرار می‌گیرد و یا به آنان به قصد تجاوز حمله می‌شود. صنعت سکس یکی از سودآورترین صنایع جهان است. وقتی امروز را با آن «گذشته» مقایسه می‌کنیم احساس می‌کنیم آن «گذشته» در واقع، آینده‌ای بود که امروز در موردش خیال پردازی می‌کنیم و جنگیدن برایش به زندگی ما معنا و الهام می‌بخشد.

به نقل از آتش شماره ۶۴ - اسفند [حوت] ۹۵